

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض شد که در مساله استطاعت، تهیه مقدمات استطاعت که همان زاد و راحله باشد واجب است به وجوب عقلی و مسامحه در آن اولاً موجب ترک واجبی از واجبات است و در ثانی چنانچه در این بین قبل از اتیان به این تکلیف اگر فوتی عارض بشود این طبعاً یعد تارک الحج و مسائلی که راجع به این قضیه است بر او مترتب خواهد شد. بنابراین از اول بلوغ که زمان تعلق تکلیف است، مکلف باید به دنبال تهیه مقدمات حج به عنوان وجوب اطلاق برود.

این مطلب قبلاً عرض شد که آن حجة الاسلام که از باب بنی الاسلام علی الخمس: الصلاة و الزکوة و الخمس و الصوم و الحج و الولاية و ما نودی بشئ و ما نودی بالولاية، از این جهت حجة السلام گفته می شود که از نقطه نظر تکلیف، قوام اسلام بر این چند چیز است و آن چه که در روایات است یک

مرتبه است.

روایاتی در این زمینه از ائمه علیهم السلام دارد که روایت یکی از امام صادق علیه السلام و یک روایت از امام رضا علیه السلام است که این ها را عرض کردیم و گرچه در آیه اطلاق است و لله علی الناس حج البيت من استطاع الیه سبیلاً اگر ما در روایات و در سنت حکم به کفایت مرة واحدة نداشتیم اطلاق آیه مقتضای تکرار بود چنانچه بعضی ها حکم به تکرار داده اند برای کسی که می تواند و استطاعت رفتن را داشته باشد، ولیکن در روایات نسبت به این مساله تصریح شده است که فقط همان یک بار برای انسان واجب است و آن حجة السلام فقط یک مرتبه است، بقیه حج هایی که انجام می دهند این ها حج استحبابی است و تأکید شده لحاجة

مثلاً فرض بکنید امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: لا تتركوا حج بيت ربکم فتهلكوا و قال من ترک الحج لحاجة من حوائج الدنيا لم تقض حتى

ينظر الى المحلقين^۱ يا مثلاً والله والله في بيت ربكم
 لا تخلوه ما بقيتم فانه ان ترك لم تناظروا^۲ خب در
 اين جا حضرت تأكيد مي کنند به مساله حج، تأكيدی
 که در اين جا شده حکايت از همان استحباب
 شديدی است که در اين جا دارد ولکن مساله اصلی
 همین است، مثلاً از امام رضا عليه السلام سوال های
 شد یکی از سوال های که از حضرت کردند اين بود
 که علة فرض الحج مرة واحدة چیست؟ حضرت
 تصريح می فرماید لأنّ الله تعالى وضع الفرائض على
 أدنى القوم قوّة فمن تلك الفرائض الحجّ المفروض
 واحداً ثم رغب اهل القوّة على قدر طاقتهم^۳ اين
 ديگر در اين جا جنبه ترغيب دارد نه جنبه تکليف و
 همین طور در آن روايت ديگر روايت فضل بن
 شاذان است که اين هم باز همان است منتهی خب با
 سند متفاوت هست ولی روايت ديگر روايت امام
 صادق عليه السلام است مربوط به احمد بن محمد
 خالد برقی که حضرت می فرماید ما كلّف الله العباد

۱- وسائل الشيعه كتاب الحج باب ۴ حديث ۹

۲- وسائل الشيعه كتاب الحج باب ۴ حديث ۱۰

۳- وسائل الشيعه كتاب الحج باب ۳ حديث ۳

۱- وسائل الشيعه كتاب الحج باب ۳ حديث ۲

۲- وسائل الشيعه كتاب الحج باب ۳ حديث ۱

إلا ما يطيقون إنما كلفهم في اليوم و الليلة خمس صلوات (الى ان قال:) و كلفهم حجة واحدة و هم يطيقون اكثر من ذلك ولكن اين يك حج در اين جا تأكيد شده .خب در اين جا ما مي بينيم كه اين روايات تصريح دارد و همين طور مرام و روش خود ائمه عليهم السلام هم بر همين قياس بوده كه همان يك مرتبه حج را آنها تكليف مي كردند و سنت بر اين مساله مستقر بوده اما در بعضي از روايات مي بينيم كه در اين جا مساله فرض است و اين از مسائلي است كه خب بايد راجع به آن صحبت شود و فرض را به معنای استحباب و اين ها گرفته اند، بعضي از فقها فتوا دادند براي كساني كه قوت بدني و مالي دارند كه اين ها بايد پيش از يك مرتبه و هر چند سال يك مرتبه حج را انجام بدهند .

و در اين جا رواياتي داريم مثلا در رواياتي كه مؤيد اين مطلب و مساله است، عجيب روايتي دارد در احتجاج، احتجاج بر خوارج، در اين جا خود اميرالمؤمنين عليه السلام مي فرمايند: وليس على الاوصياء الدعاء الى انفسهم انما يبعث الله الانبياء فيدعون الى انفسهم و الوصي فمدلول عليه مستغن عن الدعاء الى نفسه و قد قال الله عزوجل و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا و لو ترك

الناس الحج لم يكن البيت ليكفر بتركهم اياه و لكن كانوا يكفرون بتركهم اياه لأن الله قد نصبه لكم علما و كذلك نصبني علما حيث قال رسول الله صلى الله عليه و آله يا على أنت منى بمنزلة الكعبة تؤتى و لا تأتي^۱ خيلي روايت عجيبی است عرض كنم اين روايتی که دارد راجع به مساله ازید از مرة واحده ، آن قدر روايات زياد است که آن روايتی که مورد نظر بود ، چندتا روايت هم در اين جا هست که اين ها را شما خودتان برويد پيدا کنید مربوط به حج متعدد که جنبه فرض دارد چند روايت است که فقها بر طبق اين فتوا دادند بر اين که حج به طور مکرر واجب است و در آن جا جنبه فرض داشت: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ الْحَجَّ عَلَى أَهْلِ الْجِدَّةِ فِي كُلِّ عَامٍ^۲ يعنی افرادی که تمکن دارند.

در اين جا روايت دلالت بر فرض می کند بر اين اساس بعضی ها مثل مرحوم صاحب حدائق و امثال ذلک ایشان حکم به وجوب حج داده اند برای کسانی که اکثر من مرة واحده تمکن بدنی و مالی دارند از طرفی اين رواياتی که داریم از امام رضا عليه السلام

^۱ ۳- وسائل الشيعه كتاب الحج باب ۷ حديث ۴

^۲ ۱- کافی جلد ۴ صفحه ۲۶۶

و همین طور از امام صادق علیه السلام روایت احمد بن خالد برقی که این ها صراحت در این داشت که مره واحده و حتی در بعضی از این روایت ها تصریح بود بر این که و هم یطیقون اکثر من ذلک یعنی عبارت عین تصریح است.

لذا بر این اساس در این جا مثل مرحوم صاحب جواهر آمده اند روایات فرض را هم حمل بر استحباب کردند و فرمودند مقصود از فرض در این جا همان ندب است که مستحب است انسان این عمل را انجام بدهد.

خب این یک وجه حملی که طبعاً می شود گفت چاره‌ای جز این نیست از یک طرف روایات دلالت بر فرض می کند و در آن فرض آمده فرض هم به اصطلاح ظهور در وجوب و تکلیف وجوبی دارد از یک طرف روایات مقابل که روایات صریح و صحیح هم هست روایت خالد و همین طور روایت از امام رضا علیه السلام خب این روایت صریح است و همین طور سنت هم بر این مساله بوده یعنی سنت در زمان ائمه علیهم السلام همین حج به عنوان مره واحده بوده این مساله به مساله حجیت اجماع کار

ندارد که این منتفی است.

در این جا خب این حمل بر استحباب باید بشود ولی صحبت در این جاست که چرا امام علیه السلام مساله را به عنوان استحباب مطرح نکرده اند؟ خب می گفتند مستحب است یا مستحب مؤکد است این تعبیر به فرض آوردن برای چه حضرت در این جا این را مطرح می کنند؟ این نکته ای است که مجتهد باید به این نکته پردازد، امام علیه السلام وقتی یک مطلب را می فرماید با عبارتهای که ما می گوئیم فرق می کند آن عبارت و کلام امام کلام معصوم است و معصوم خطا نمی کند و عین واقع را کما هو هو بازگو می کند مستحب باشد می گوید مستحب واجب باشد می گوید واجب و غیر از این ها باشد آن را بیان می کند این مساله فرض باعث شده است که فقها بعضی ها برای اهل جده حکم به وجوب کنند که این ظهور فرض در این جا برای اهل جده، ظهور در وجوب است و حمل کردند این روایات را بر افرادی که از اهل جده نیستند و آن روایتی را که حمل شده از احمد بن خالد برقی که دارد هم یطیقون

اکثر طاقت را به معنای صرف الاستطاعة قرار دادند نه آن استطاعت متعارف یعنی برای کسی که بتواند حتی با تحمل مشاق به حج برود این منظور امام است.

و همین طور در آن روایتی که از امام رضا علیه السلام است و حضرت در آنجا تصریح دارد که مرة واحدة این را منظور حضرت به أدنی الناس است که جنبه غالبی دارد برای افراد مخصوصا در آن زمان که شدّ رحال از اماکن بعیده خیلی مشکل بود هر کسی بخواهد بیاید و مخصوصا مشیا بیاید چه طور این که در بعضی روایات هست که مشیا بخواهد انجام بدهد این جنبه غالبی مساله اقتضا می کند که حج همان مرة واحدة به این کیفیت در این جا جعل شده باشد پس این فقها حمل کرده اند روایاتی که دلالت بر وجوب حج مرة واحدة می کند را بر اغلبیت ناس و همین طور بر افرادی که آن ها استطاعتشان یک استطاعت عادی نیست یعنی می توانند بروند ولیکن با تحمل مشقت و این ها که در آنجا خدا این تکلیف را از آنها برداشته است افرادی که مثل فقها و عموم افرادی که در این جا حج را همان مرة واحدة می دانند این روایات فرض را حمل بر استحباب

کرده اند و گفته اند مستحب است ما در مقابلش روایات صریح داریم خب روایت خالد در آن جا تصریح دارد که حضرت می فرماید امام صادق علیه السلام فرموده و هم یطیقون اکثر ولکن این حج تکالیف بر ادنای از این وضع شده.

حالا ما در این جا چه کنیم؟ کدام یک از این دو مساله را در قبال خود ملزم از نقطه نظر تحصیل ملاک ما در این جا می دانیم از آن طرف روایات دارد فرض علی اهل الجده واجب است لعل این که شما بگویید بله آن حج برای کسانی که استطاعتشان در حد یک مرتبه است آن دسته از روایات است این روایات هم که منافاتی ندارند این روایت هم که می فرماید فرض علی اهل الجده بسیار خوب هر کسی که متمکن است بایستی این قدر انجام بدهد مثل این که آن کسی که متمکن است فرض کنید تمکن دارد مثل کسی می ماند که کفاره ای به او تعلق می گیرد و هر مقداری که می تواند به همان مقدار شصت تا مسکین را باید بدهد حالا فرض کنید این ده تا مسکین بیشتر نمی تواند طعام بدهد باید همان ده تا را بدهد

نمی‌شود گفت چون شصت تا مسکین را نداری
بنابراین به عنوان یک واجب ارتباطی نه ده‌تا را باید
بدهی به جایش احکام ترتیبیه هم داریم که فان لم
یجد کذا در این آیاتی که داریم که اگر این نتوانست
آن بعدی اگر نتوانست این بعدی این مساله حکایت
از این می‌کند که خداوند این مطلب را در اینجا بر
اساس توان فرد قرار داده آن کسی که می‌تواند
شصت مسکین را طعام بدهد باید شصت مسکین را
طعام بدهد یا این که نسبت به هر کسی که در سایر
افراد هست فرض کنید در مورد جهاد آن کسی که
مال ندارد چیزی ندارد فقط خودش هست و یک
شمشیر بایستی با همان یک شمشیر خودش جهاد
کند حالا اگر کسی این استطاعت بیشتر دارد مرکب
دارد چه دارد باید آنها را هم داخل در مساله جهاد
کند اگر کسی فرض کنید اموال دارد آن اموال را باید
صرف در جهاد کند هر شخصی به میزان استطاعتی
که دارد به همان میزان تکلیف نسبت به او بالاتر
می‌رود و تکلیف یک به اصطلاح ازدیاد بیشتری پیدا
می‌کند لعل این که مساله حج هم از همین باب باشد
امام علیه‌السلام از یک طرف می‌فرماید که حج

واجب است مرة واحدة برای کسانی که یک مرتبه می‌توانند بروند و اغلبیت این طور است و از آن طرف می‌فرماید فرض اهل الجده برای کسانی که می‌توانند به بیشتر از این ها بروند دوتا تکلیف جداست و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا هم که اطلاقش فقط به تحقیق تکلیف به مرة واحدة نیست لله على الناس حج البيت هر کسی که می‌تواند باید حج را انجام بدهد خب کجای این داریم که یک دفعه بروی؟ با یک مرتبه رفتن حکم شرعی در این جا ساقط شد ولی آیا حکم شرعی استمرار ندارد؟ مثل این که فرض کنید من بگویم اکرام عالم عادل برای شما واجب است، خب شما آمدی یک عالم عادل در این دنیا پیدا کردی که یکیش هم پیدا نمی‌شود شما آمدی یک عالم نیم چه عادل را پیدا کردی و اکرامش کردی یعنی این حکم مولا دیگر تمام شد؟ یا نه این حکم مولا استمرار دارد دوباره هفته بعد چشمتان به یک عالم نیمچه عادل افتاد ثلثش ربعش و خمسش هم بود فرض کنید بگذاریم روی سرمان اگر پیدا کردید باز در این

صورت باید چه کار کنید؟ آن حکم اکرم بیاید مگر این که استنباط بشود که آن تکلیف برای مرة واحده است که با تحقق خارجی آن مکلف به آن تکلیف هم ساقط می شود.

پس نفس خود آیه نه دلالت بر مرة می کند و نه دلالت بر تکرار، بلکه با جنبه اطلاقی خودش آن تکرار استفاده می شود نه این که از خود لفظ تکرار فهمیده بشود فرق می کند بگوئیم که لله علی الناس حج البيت متکررا لمن استطاع الیه سبیلا یا لله علی الناس حج البيت مرة واحده لمن استطاع الیه سبیلا این جنبه اطلاق دارد الان هم چند سال از این قضیه گذشته آیا آن حکم باز راجع به ما هست یا نه؟ خب لله علی الناس حج البيت در این جا شامل خواهد شد.

پس هم آیه در این جا دلالت بر اطلاق می کند اطلاق آیه مقتضای تکرار خواهد بود و همین طور روایاتی که بر روایات فرض در این جا هست آن هم دلالت بر این مساله می کند انه یجب وجوباً کفائیا که البته ایشان تعبیر به وجوب کفایی کردند یکی روایت کافی است که می فرماید عن علی بن جعفر

روایت از موسی بن جعفر علیه السلام است حضرت می فرماید إن الله عزوجل فرض الحج علی اهل الجده فی کل عامٍ نه این که چند سال یک مرتبه چهار سال یک مرتبه فی کل عامٍ و ذلك قوله عزوجل لله علی الناس حج البيت من استطاع الیه سبیلاً و من کفر فان الله غنی عن العالمین یعنی همین مطلبی را که من عرض کردم همین مطلب را امام موسی بن جعفر به عنوان اطلاق گیری تکرری که از اطلاق گیری اخذ اطلاق از آیه است همین مطلب را حضرت دارد به این دلیل که لله حضرت نمی فرماید لله علی الناس حج البيت با انجام دادن مکلف تکلیف ساقط می شود امر دلالت بر چی می کند؟ مرة واحده می کند اتیان به مکلف نه، شاید حضرت هم اصول خوانده بودند حضرت این اصول های چرت و پرت ما را که نخوانده اند اصولی که آنها خواندند اصولشان با ما فرق می کند قال قلت: فمن لم یحج منا فقد کفر قال: لا و لکن من قال: لیس هذا هكذا فقد کفر خب این یک روایت روایت دیگر روایت از امام صادق علیه السلام است ان الله عزوجل فرض الحج علی اهل الجده فی کل عامٍ ببینید این روایت ها روایت های صریح است آن روایت محمد

بن یعقوب عن عدة من اصحابنا، عدة من اصحابنا خلی روایت را به اصطلاح صحتش را بالا می برد بعد سهل بن عن موسی بن قاسم البجلی عن محمد بن یحیی و همه این ها از علی بن جعفر که برادر موسی بن جعفر است یاد می کنند روایت دوم روایتش این ها همه سندش صحیح است روایت سوم روایت علی بن ابراهیم است عن محمد بن اسماعیل عن الفضل بن شاذان عن ابن ابی عمید که خلی روایت صحیحی است عن عبدالرحمن بن الحجاج قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام الحج علی الغنی و الفقیر؟ فقال: الحج علی الناس جميعاً كبارهم و صغارهم فمن كان له عذر عذره الله^۱ خب این روایت بر این مساله چیز ندارد خلی، روایت دیگر بسیار سندش صحیح است محمد بن یحیی است محمد بن احمد است که همان خالد باشد عن یعقوب بن یزید است ابن ابی عمید عن ابی جریر القمی عن ابی عبدالله علیه السلام حضرت باز می فرماید الحج فرض علی اهل الجده فی کل عام^۲ روایت دیگر روایت حدیفه است که به نظرم این باید چیز باشد با مختصر تصرفی در سند

۱- وسائل الشیعه کتاب الحج باب ۲ حدیث ۱

۲- وسائل الشیعه کتاب الحج باب ۲ حدیث ۲

که حضرت در این جا باز این را می‌فرماید روایت دیگر روایت صدوق است محمد بن علی بن الحسین در علل ، احمد بن محمد عن ابیه عن السندي بن الربيع آن هم فرد موثقی است عن محمد بن ابی القاسم عن اسد بن یحیی عن شیخ من اصحابنا قال: الحج واجب علی من وجد السبیل فی کل عامٍ این هم باز در این جا این مساله را حضرت به این کیفیت بیان می‌کند که خب البته در این جا دارد که شیخ این روایات را حمل بر استحباب کرده و بعد البته این را مثل این که سابق هم عرض کردیم و بعضی‌ها گفته‌اند که منظور این است که کسی که در سنه اول انجام نداده در سنه بعدی کجای روایت این را می‌گوید؟ این جا دیگر زدن به خاکی است رفتن در خاکی، حضرت می‌فرماید فی کل عامٍ چه ربطی دارد به این که ما بگوییم برای کسی که انجام نداده سال بعدش منظور حضرت است؟ خیلی عجیب است! خوب نیست این طور صحبت کردن صحیح نیست آدم خوب است که بگوید نمی‌دانم نه این که بیاید روایت را این طور معنا کند فان لم يفعل وجب فی الثالثه چه ربطی دارد قضیه والا قرب ما قلناه من

۳۱- وسائل الشیعه کتاب الحج باب ۲ حدیث ۳

الوجوب الكفائي ایشان مرحوم صاحب وسائل این را حمل بر وجوب کفایی کردند که از باب این که آن به اصطلاح در همان مثل وصایای امیرالمؤمنین که داریم لا تتركوا حج بيتكم که بيت الله را از حاج نگذارید که خالی باشد الله الله فی حج بيتكم و همین طور روایاتی که داریم که تأکید شده بر عدم خلو بيت الله روایاتی که حاکم اسلام واجب است که افرادی را در صورت عدم حج بفرستد برای حج که بيت الله خالی نباشد از مجموع این روایات مرحوم صاحب وسائل باز ایشان یک قدری نزدیکتر به مساله بررسی کردند که حمل به وجوب کفایی کردند مساله فرض ولكن مطلب به نظر می رسد که بالاتر از این حرفهاست.

اللهم صل على محمد و آل محمد